

The Desired Model of Islamic Insurance (Takaful) within the Framework of Resistance Economy Policies

Mahdi Sadeghi Shahedani

Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

sadeghi@isu.ac.ir

 0000-0002-2765-5774

Seyyed Mohammad Mahdi Tadayyon Eslami

Faculty of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding author).

Sm.tadayyon@isu.ac.ir

 0000-0002-4834-9426

Abstract

The Supreme Leader, emphasizing the need to implement a resistance economy and design economic models based on Islamic teachings, has highlighted the key role of Islamic financial institutions in realizing these policies. In the meantime, Islamic insurance, as one of the fundamental pillars of a resistance economy, can take an effective step towards realizing social justice and sustainable development by combining Islamic and economic principles. This insurance system, which is based on Islamic rules such as cooperation, justice, and social responsibility, is fundamentally different from conventional insurance and can be considered as an efficient model in facing economic challenges. To achieve a desirable model of Islamic insurance within the framework of a resistance economy, it is necessary to systematically integrate Islamic principles with economic requirements. This requires designing insurance products based on Islamic contracts such as mudarabah, wakalat, and waqf, in which the elements of usury and gharar are completely eliminated and complete transparency is observed in contracts. The realization of this model requires serious determination from all relevant institutions, including legislators, religious authorities, economic activists, and researchers. Systematic coordination between these institutions can pave the way for the successful implementation of Islamic insurance within the framework of a resistance economy. In this regard, conducting applied research to identify and address operational challenges and provide more implementation solutions is of particular importance. With these conditions in place, Islamic insurance can play a role as a leading model in achieving the goals of a resistance economy and ensuring social justice. This research was conducted using a qualitative method of exploratory content analysis and library-based information collection.

Keywords: Resistance Economy, Islamic Insurance, Insurance Strategies, Takaful.

JEL Classification: R58, O21, P41

الگوی مطلوب بیمه اسلامی (تکافل) در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

مهدی صادقی شاهدانی

استاد تمام دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
sadeghi@isu.ac.ir

0000-0002-2765-5774

سیدمحمد مهدی تدین اسلامی

کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Sm.tadayyon@isu.ac.ir

0000-0002-4834-9426

چکیده

نظر به لزوم اجرای اقتصاد مقاومتی و طراحی الگوهای اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، این پژوهش به بررسی الگوی مطلوب بیمه اسلامی (تکافل) در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، طراحی الگویی از بیمه اسلامی است که ضمن رعایت موازین شرعی، کارآمدی اقتصادی لازم در شرایط تحریم و فشارهای اقتصادی را داشته باشد. برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل مضمون اکتشافی استفاده شده و داده‌های مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای از منابع معتبر اسلامی، اقتصادی و حقوقی گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی تکافل مبتنی بر اصول تعاون، عدالت و شفافیت می‌تواند به‌عنوان نظام بیمه‌ای مقاوم جایگزین مناسبی برای بیمه‌های متعارف باشد. این الگو با استفاده از عقود اسلامی مانند: مضاربه، وکالت و وقف و حذف عناصر ربوی و غرر، ضمن تقویت مشارکت جمعی و کاهش ریسک‌های اقتصادی، همسو با اهداف اقتصاد مقاومتی عمل می‌کند. همچنین نظارت شرعی، توسعه بازارهای مالی اسلامی و فرهنگ‌سازی از جمله الزامات کلیدی در موفقیت این الگو شناسایی شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اجرای موفق این الگو نیازمند هماهنگی نظام‌مند بین نهادهای قانون‌گذار، مراجع تقلید، فعالان اقتصادی و پژوهشگران است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، بیمه اسلامی، تکافل.

طبقه‌بندی JEL: R58, O21, P41

شاپای الکترونیک: ۶۵۶۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

doi 10.22034/es.2026.520688.1858



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله است و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اقتصادی نیست.

مقدمه و بيان مسئله

در سال‌های اخير، اقتصاد مقاومتي به‌عنوان الگوي کارآمد برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و تحريم‌های ناعادلانه، در کانون توجه سياست‌گذاران و پژوهشگران قرار گرفته است. اين الگو با تأکيد بر توانمندسازي اقتصاد داخلي، کاهش وابستگي به منابع خارجي و تقويت بخش‌های مولد، مسير جديدي برای دستيابي به رشد و توسعه پايدار ترسيم می‌کند. در اين ميان، صنعت بیمه به‌عنوان يکي از ارکان کليدي اقتصاد، نقش به‌سزايي در پشتيباني از فعاليت‌های اقتصادی و کاهش ريسک‌های مالی ایفا می‌کند. با توجه به ظرفيت‌های بالای آموزه‌های اسلامی در طراحی نظام‌های مالی و اقتصادی، بیمه اسلامی (تأمین‌گرایی مبتنی بر اصول شريعت) می‌تواند به‌عنوان الگوي مطلوب در چهارچوب سياست‌های اقتصاد مقاومتي مطرح شود. اين نظام نه‌تنها با اصول اخلاقي و شرعي سازگار است بلکه با تقويت همبستگي اجتماعي و توزيع عادلانه ريسک، به افزايش تاب‌آوری اقتصاد ملی کمک می‌کند. مقاله حاضر با هدف تبیین راهبردهای اساسي برای دستيابي به الگوي مطلوب بیمه اسلامی در چهارچوب اقتصاد مقاومتي تدوين شده است. در اين راستا، با بررسی مباني نظري بیمه اسلامی و الزامات اقتصاد مقاومتي، راهکارهای عملي برای توسعه اين الگو ارائه می‌شود. اميد است نتايج اين پژوهش بتواند به سياست‌گذاران و فعالان صنعت بیمه در طراحی نظامي پايدار و عدالت‌محور ياری رساند.

بیمه‌های تجاري از گذشته به لحاظ فقهی مورد تأييد قرار گرفته‌اند و در حال حاضر در بسياری از کشورها اجرا می‌شود. با اين حال، برخی از علمای اهل سنت به دلايل فقهی همچون وجود غرر، ربا، قمار و مطابقت‌نداشتن با قرآن با اين بیمه‌ها مخالفند. اين مخالفت‌ها باعث ايجاد نهاد تکافل شده است که مبتني بر عقود معينه اسلامی طراحی شده است. نهاد تکافل به‌عنوان جایگزینی برای بیمه‌های مرسوم معرفي شده و در آن از عقود مانند مضاربه، وکالت، وقف و نذر برای ساختار اين بیمه استفاده می‌شود. تکافل در واقع از چندین عقد شرعي تشکیل شده است که در کنار يکديگر ماهيتي جديد و مستقل به‌وجود می‌آورد؛ به‌عنوان مثال، در تکافل مبتني بر مضاربه، هدف تنها کسب سود نيست بلکه هدف‌هایی همچون تعاون در برابر خطرهای و کمک‌های خيريه نیز در نظر گرفته می‌شود. در اين نوع بیمه، کمک متقابل افراد برای پوشش ريسک‌های احتمالي و تقسيم خسارت‌ها شکل می‌گيرد. در اين راستا، تکافل به‌عنوان عهدي مستقل شناخته می‌شود که در آن همکاري و مشارکت در

برابر ریسک‌ها و حوادث احتمالی از اهداف اصلی آن است. این نوع بیمه بر اساس همکاری متقابل افراد برای تأمین امنیت مالی و جبران خسارت‌های ناشی از حوادث طراحی شده است. در بسیاری از کشورهای اسلامی، الگوی مضاربه محض به عنوان اولین مدل تکافل استفاده شده است که در آن شرکت‌های تکافل و شرکای آن تنها از درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها سهم می‌برند؛ اما برای برطرف کردن برخی نواقص این الگو، الگوهای دیگر نظیر مضاربه تعدیل‌شده و وکالت معرفی شده‌اند. در الگوی مضاربه تعدیل‌شده، پس از پرداخت هزینه‌های مدیریت، سود باقی‌مانده میان شرکت و صندوق تکافل تقسیم می‌شود و در صورت ضرر، از منابع صندوق سهامداران قرض الحسنه تأمین می‌شود. الگوی وکالت نیز در کشورهای مختلف اسلامی مانند مالزی و بحرین به کار گرفته شده است. در این الگو، شرکت‌های تکافل تنها به عنوان عامل اجرایی عمل می‌کنند و از صندوق شرکت به عنوان حق الوکاله استفاده می‌کنند. در این الگو، شرکت تکافل از سود سرمایه‌گذاری‌ها بهره‌مند نمی‌شود و تنها از خدمات خود دستمزد دریافت می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

درباره موضوع مقاله حاضر، پژوهشی اعم از رساله، پایان‌نامه، کتاب و مقاله یافت نشد؛ اما مباحث مشابه با پژوهش حاضر را می‌توان چنین بیان نمود:

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)»، مهدوی، اسمعیلی گیوی و کاوند به تحلیل نظام‌های تکافل خانواده و تکافل عمومی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های تکافل علاوه بر هدف اصلی پوشش خسارت‌ها و کاهش ریسک‌ها، می‌کوشند مشارکت‌کنندگان را در سودهای حاصل از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها سهیم نمایند. یافته‌ها حاکی از آن است که الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه، با وجود استفاده از عقود اسلامی مانند مضاربه، هبه، قرض و وکالت، به صورت ترکیبی طراحی شده‌اند که با اهداف اولیه این عقود کاملاً منطبق نیستند. باین‌حال، ارزیابی‌های فقهی انجام شده در این پژوهش، صحت و مشروعیت این الگوها را تأیید کرده و نشان می‌دهد نظام تکافل نه تنها با مبانی اسلامی و اصول عدالت سازگارتر است بلکه منافع بیشتری را برای شرکت‌کنندگان به همراه دارد.

در کتاب «تکافل کاربردی و بیمه مدرن: قوانین و اصول کاربردی»، معصوم بالله و روحانی به بررسی مقایسه‌ای اصول و مبانی تکافل و بیمه پرداخته‌اند. این اثر در

هشت فصل تنظیم شده و به صورت جامع موضوعات مرتبط با تکافل و بیمه را مورد تحلیل قرار داده است. فصل نخست به ریشه‌یابی و توسعه مفهوم تکافل و بیمه با مقایسه قوانین عرفی و تفکر حقوقی اسلامی اختصاص دارد. مؤلفان اشاره می‌کنند که در نظام‌های حقوقی عرفی، اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای بدون چالش پذیرفته می‌شود، حال آنکه در نظام حقوقی اسلام، مشروعیت فعالیت‌های تکافلی از جنبه‌های مفهومی و بنیادی مورد پرسش قرار می‌گیرد. فصل دوم به اصول کلی تکافل و بیمه و مقایسه تطبیقی میان قوانین عرفی و شریعت محور می‌پردازد. در فصل سوم، اختلاف آرای فقهای مسلمان درباره اعتبار بیمه بررسی شده و امکان‌پذیری پذیرش تکافل در محیط تجاری اسلامی به عنوان جایگزینی برای شیوه‌های مرسوم تحلیل شده است. فصل چهارم عوامل بیرونی مؤثر بر اصول و سیاست‌های تکافل و بیمه، مانند نقش واسطه‌های بیمه‌ای و تأثیر جایگاه ذی‌نفعان را مورد بررسی قرار داده است. فصل پنجم به تحلیل مقایسه‌ای عناصر کلیدی، از جمله سود قابل تضمین و انطباق با موازین شرعی پرداخته است. در فصل ششم، نظریه‌های کاربردی در حوزه تکافل و بیمه و موضوعاتی مانند پیشنهاد و پذیرش، صدور بیمه‌نامه موقت و پرداخت حق بیمه مورد مطالعه قرار گرفته است. فصل هفتم عملکرد عملی تکافل در جهان معاصر را تشریح می‌کند و در فصل هشتم، با ارائه پیشنهادهایی آینده‌نگرانه، خلاصه‌ای از اصول و مباحث کتاب عرضه شده است. این اثر با تحلیل جامع و مقایسه‌ای خود، راهنمایی ارزشمند برای درک بهتر نظام‌های تکافل و بیمه در چهارچوب قوانین اسلامی و عرفی ارائه می‌دهد.

در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی فقهی، حقوقی نهاد تکافل با عنایت به ایرادات فقهی وارد بر بیمه»، محمدی، عزیزاللهی و عبدی‌پور به تحلیل نهاد تکافل از منظر فقهی و حقوقی پرداخته‌اند. این پژوهش ایرادات اساسی فقهی وارد بر بیمه‌های متعارف مانند: غرر، ربا و قمار را مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده است با معرفی نظام جدیدی تحت عنوان صنعت تکافل، راه‌حلی برای رفع این اشکالات ارائه دهد. این پژوهش ابتدا به تبیین اصول و روش‌های مرسوم در صنعت تکافل پرداخته و سپس با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، امکان اجرایی شدن این نهاد در ایران را از دیدگاه فقهی و حقوقی ارزیابی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نهاد تکافل با توجه به الگوهای عملیاتی و انطباق با موازین شرعی، سازگاری بیشتری با عدالت اجتماعی داشته و از قابلیت رقابت با بیمه‌های سنتی برخوردار است. محققان نتیجه گرفته‌اند که تأسیس این نهاد در ایران با در نظر گرفتن مزایا و منافع مادی و

معنوی آن، می‌تواند اقدامی سودمند و اثرگذار باشد.

در پژوهشی با عنوان «بررسی فقهی حقوقی الگوی مطلوب تکافل در ایران»، صالحی و عزیزاللهی به تحلیل و ارزیابی الگوها و قراردادهای مناسب برای اجرای نظام تکافل پرداخته‌اند. در این پژوهش، الگوهای عملیاتی مانند: وکالت، مضاربه، وکالت - وقف و همچنین الگوهای عملیاتی نشده مانند: بیع موجل، سلم، جعاله، ودیعه، اجاره، ضمان و شرکت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی شرکت به‌عنوان مناسب‌ترین الگو برای اجرا در نظام تکافل ایران شناخته شده است. این الگو با اهداف اصلی نظام تکافل یعنی تعاون و مشارکت متقابل در تقسیم سود و جبران خسارت میان اعضاء همخوانی کامل داشته و از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار است. پژوهشگران تأکید کرده‌اند که به‌کارگیری این الگو می‌تواند به تحقق اهداف بنیادین نظام تکافل در ایران کمک شایانی نماید.

در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه و تحلیل تطبیقی الگوی تکافل بر اساس فقه امامیه»، محمدی، سعدی و عسگری به بررسی مزیت‌های رقابتی تکافل نسبت به بیمه‌های متعارف و ارائه الگوی شیعی تکافل مبتنی بر فقه امامیه پرداخته‌اند. در این پژوهش، مشکلات ساختار حقوقی تکافل مرسوم از منظر فقه امامیه شناسایی و راهکارهای اصلاحی ارائه شده است. ازجمله این راهکارها می‌توان به استفاده از هبه معوض به‌جای قصد تبرع حق مشارکت‌ها و جایگزینی عقد لازم به‌جای عقد جایز وکالت اشاره کرد. همچنین در این پژوهش پیشنهاد شده است که متصدی تکافل به‌عنوان یک شرکت سرمایه‌گذاری و بیمه‌گری در قالب عقد شرکت و با وکالت از صندوق تکافل که به‌عنوان یک شخصیت حقوقی جمع مشارکت‌کنندگان در نظر گرفته می‌شود، فعالیت نماید. این الگو با توزیع ریسک در ساختار تکافل، به‌جای انتقال آن به شرکت‌های بیمه بازرگانی و درنظرگرفتن بیمه‌گران به‌عنوان وکیل مشارکت‌کنندگان، منجر به صرفه‌جویی اقتصادی و کاهش هزینه‌های پوشش ریسک می‌شود. همچنین، در عقد مشارکت و وکالت، حق فسخ طرفین از یکدیگر سلب می‌شود که این امر سازگاری بیشتری با فقه امامیه داشته و به تحقق الگوی شیعی تکافل کمک می‌کند.

در مقاله «تکافل خانواده در قالب الگوی وکالت از دیدگاه فقه امامیه، عامه و حقوق ایران»، کیخای فرزانه، اسماعیلی و عسکری به بررسی ابعاد مختلف تکافل خانواده به‌عنوان یک ابزار تأمین اسلامی و یک نهاد حقوقی مبتنی بر نظریه سود مشترک - زیان مشترک و تعاون جمعی پرداخته‌اند. در این مقاله تأکید شده است

که تکافل خانواده نه تنها در جوامع اسلامی، بلکه در برخی کشورهای غربی مانند انگلستان نیز به عنوان ابزاری برای مدیریت ریسک نقش مهمی ایفا می کند. نویسندگان با طرح این پرسش که آیا از منظر فقهی و حقوقی، تکافل خانواده در حقوق ایران قابلیت اجرا دارد، به تحلیل این موضوع پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که الگوی وکالت در تکافل خانواده به عنوان یک نهاد حقوقی و اقتصادی کارآمد، در حقوق ایران قابل اجراست؛ زیرا از لحاظ فقهی و حقوقی مقتضیات اجرای این الگو موجود بوده و موانع اجرایی آن وجود ندارد. در این راستا، تحلیل فقهی و حقوقی نهادهای بیمه عمر و تکافل خانواده به عنوان پیش نیاز اجرای موفق این نظام مورد توجه قرار گرفته است.

در رساله ای با عنوان «الگوی بهینه تکافل بر مبنای فقه امامیه از منظر ذی نفعان»، محمدی به بررسی ضرورت طراحی سازوکار تأمین از منظر اسلامی در چهارچوب فقه امامیه پرداخته است. این پژوهش تکافل را به عنوان محصولی ترکیبی از بیمه های متقابل و مالکانه معرفی کرده که در جوامع اسلامی به عنوان بیمه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این رساله، رویکرد جامع حاکمیت شرکعی با در نظر گرفتن ذی نفعان بیمه به تحلیل عمیق تر تکافل اختصاص یافته و پیشنهاداتی برای تقویت حاکمیت شرکعی و محدود کردن اختیارات متصدی تکافل ارائه شده است. همچنین ساختار حقوقی تکافل در چهارچوب فقه امامیه و وکالت مورد بررسی قرار گرفته که از دستاوردهای اصلی این تحقیق محسوب می شود. این مطالعه با بهره گیری از مدل کارگزار - کارفرما (با تأکید بر افعال پنهان)، به ارزیابی الگوهای تکافل از دیدگاه مشارکت کنندگان پرداخته است. در پایان، با استناد به دیدگاه شهید صدر درباره عدم مشروعیت درآمدزایی و تحمل ریسک توسط نهاد بیمه به عنوان زیرنظامی از سیستم اقتصاد سرمایه داری، الگویی برای پوشش ریسک از منظر مکتب اقتصاد اسلامی که مبتنی بر بیمه های متقابل و غیرانتفاعی است، پیشنهاد شده است. ارزیابی ها نشان می دهند که از دیدگاه مشارکت کنندگان، این الگو به عنوان برترین ساختار پوشش ریسک در مقایسه با سایر الگوهای تکافل تأیید شده است.

در مقاله «بررسی مبانی فقهی و حقوقی نهاد تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه»، امیرپور به تحلیل مفهوم نهاد تکافل و مزایای آن پرداخته است. این پژوهش نشان می دهد که نهاد تکافل به لحاظ مدیریت خطر و تأکید بر روحیه تعاون و تقویت رابطه اخوت میان افراد، تفاوت های اساسی با قراردادهایی مانند: مضاربه، مشارکت، هبه و ضمان دارد. نویسنده بیان می کند که این نوع بیمه مزایای متعددی از جمله

مدیریت خطر، انتفاع طرفین، مشارکت بهینه در سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و افزایش امنیت ذهنی را در مقایسه با بیمه‌های رایج داراست. از دیدگاه اسلام، مشروعیت این نوع بیمه با استناد به عمومات و اطلاقات اصولی مانند «أوفوا بالعقود»، «أحل الله البيع»، «تجاره عن تراض»، «المؤمنون عند شروطهم» و نیز اصل جواز معاوضه قابل اثبات است. این مقاله همچنین مشروعیت نهاد تکافل را از منظر حقوق موضوعه بر مبنای اصولی مانند آزادی اراده، حصری نبودن عقود و اعتبار قراردادهای نامعین که در عرف رایج هستند، تحلیل کرده و تفاوت آن را با قراردادهای مشابه تبیین می‌کند.

در مقاله «الگوی مضاربه عمومی تکافل در فقه امامیه و عامه»، عیسایی تفرشی، کاظمی و الهی به تحلیل عملکرد الگوهای مضاربه محض و تعدیل‌شده در صنعت تکافل کشور مالزی پرداخته‌اند. نویسندگان با بررسی این الگوها از منظر فقه امامیه و عامه، به طرح شبهات و اختلافات موجود میان این دو فقه پرداخته و امکان صحت عملکرد این الگوها در فقه امامیه را ارزیابی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اختلافات میان فقه امامیه و عامه تنها در عملیات اجرایی تکافل است که ممکن است در نوع خدمات‌دهی تفاوت ایجاد کند. همچنین، الگوی تکافل به‌ویژه الگوی مضاربه، نسبت به بیمه‌های متعارف رایج در ایران و دیگر کشورها، در راستای مقاصد الشریعه قرار دارد و می‌تواند گزینه‌ای برتر برای تأمین آرامش مردم باشد.

در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی فقهی - اقتصادی مدل‌های مختلف تکافل و ارائه مدل بهینه (کاربردی) برای اقتصاد ایران»، ویسی به تعریف بیمه از منظر اقتصادی و فقهی پرداخته و مشکلات موجود در صنعت بیمه را بررسی کرده است. نویسنده پس از ارائه دلایلی که نشان می‌دهد صنعت بیمه بدون دخالت دولت توانایی ادامه حیات ندارد، مدل تکافل را به‌عنوان جایگزینی برای بیمه پیشنهاد کرده است. بر اساس نتایج این پژوهش، تکافل نه‌تنها ایرادهای اقتصادی صنعت بیمه را برطرف می‌کند بلکه با موازین شرعی و عقود اسلامی تطابق بیشتری دارد. این مدل به‌عنوان یک راهکار جایگزین، می‌تواند مشکلات موجود در صنعت بیمه ایران را کاهش داده و با اصول اقتصادی و فقهی اسلام سازگارتر باشد.

۲. ادبیات نظری و چهارچوب مفهومی

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگویی ویژه از نظام اقتصادی، در شرایطی شکل می‌گیرد که حملات همه‌جانبه اقتصادی دشمن، ثبات نظام اقتصادی را تهدید می‌کند. اقتصاد

ایران در سال‌های اخیر وضعیت خاص و بی‌سابقه‌ای را پشت‌سر گذاشته است و پیش‌بینی می‌شود این روند در سال‌های آینده نیز تداوم یابد. ازجمله مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی ایران در دهه اخیر می‌توان به رشد بیکاری، کاهش ارزش پول ملی، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، واردات بی‌رویه و نامساعدبودن محیط کسب‌وکار اشاره کرد. ساختار نهادی ناکارآمد، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نامناسب در گذشته و وقایعی مانند جنگ، باعث شده است اقتصاد ایران در چند دهه اخیر نوسانات قابل‌توجهی را تجربه کند.

مقام معظم رهبری با تأکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، افزایش سطح تولید داخلی را به‌عنوان محور اصلی این سیاست‌ها معرفی کرده‌اند. ایشان بر این باورند که توسعه تولید داخلی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود، منجر به تقویت اقتصاد ملی شده و درنهایت قدرت کشور را در عرصه‌های بین‌المللی ارتقا می‌دهد (هاشم‌پور، صبادی و عزیزی، ۱۳۹۳). درواقع، بدون دستیابی به یک اقتصاد قدرتمند، امکان حضور مؤثر و پایدار ایران در صحنه‌های منطقه‌ای و جهانی وجود نخواهد داشت.

برای افزایش تولید داخلی، بهبود فضای سرمایه‌گذاری در کشور یک ضرورت انکارناپذیر است. در شرایطی که ریسک‌های اقتصادی به‌خوبی پوشش داده نشوند و محصولات بیمه‌ای متنوعی برای مدیریت این مخاطرات وجود نداشته باشد، تمایل سرمایه‌گذاران به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابد. بدون اصلاح محیط سرمایه‌گذاری، دستیابی به نرخ‌های بالاتر رشد اقتصادی در بلندمدت دور از انتظار خواهد بود. بررسی عملکرد اقتصاد ایران از منظر شاخص‌هایی مانند رشد تولید داخلی و تولید سرانه، نشان‌دهنده فاصله معنادار آن با اهداف تعیین‌شده در برنامه‌های توسعه است.

۳. راهبردهای اقتصاد مقاومتی در نهاد بیمه اسلامی (تکافل)

صنعت بیمه به‌ویژه در قالب نظام تکافل بیمه اسلامی به‌عنوان یک نهاد مالی راهبردی، نقشی محوری در تقویت اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. این صنعت با سه کارکرد کلیدی تأمین امنیت اقتصادی، تسهیل تشکیل سرمایه و تحریک سرمایه‌گذاری‌های مولد، زیرساخت ضروری برای توسعه پایدار فراهم می‌آورد. نقش بیمه اسلامی (تکافل) را در اقتصاد مقاومتی می‌توان در محورهای ذیل بیان کرد:

۳-۱. سرمایه‌گذاری مولد

در اقتصاد مقاومتی، رابطه مستقیمی بین توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر عقود اسلامی وجود دارد. برخلاف نظام بانکی که عمدتاً تأمین‌کننده اعتبارات کوتاه‌مدت است، نهادهای تکافلی با استفاده از مکانیسم‌های مالی اسلامی مانند مضاربه و سرمایه‌گذاری مشارکتی، منابع بلندمدت را به بخش‌های مولد اقتصادی تزریق می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد کشورهایی که از نظام تکافل بهره می‌برند، نرخ سرمایه‌گذاری داخلی تا ۲۵ درصد افزایش یافته است.

۳-۲. حمایت از خانوارها و اقتصاد کلان

محصولات تکافلی در حوزه‌های درمان، عمر و دارایی، با حذف عناصر ربا و غرر ایمنی اقتصادی خانوارها را تضمین می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، صندوق‌های تعاون سلامت بر اساس اصل تکافل اجتماعی هزینه‌های درمانی را تا ۴۰ درصد کاهش داده‌اند. در سطح کلان، این نظام با جذب پس‌اندازهای خرد و هدایت آن به پروژه‌های زیربنایی، تاب‌آوری اقتصادی را افزایش می‌دهد (قره‌داغی، ۱۳۹۳ق، ص. ۲۷۳).

۳-۳. پرهیز از دید کوتاه‌مدت و زودگذر

صنعت بیمه اسلامی (تکافل) به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی اقتصاد مقاومتی، نقشی حیاتی در تحقق بلندمدت‌نگری اقتصادی ایفا می‌کند. این نظام مالی با تکیه بر اصول اسلامی و پرهیز از نگاه کوتاه‌مدت متعارف، سازوکارهایی را طراحی کرده که اقتصاد را از چرخه‌های مقطعی و ناپایدار رها می‌سازد. ماهیت مشارکتی و تعاونی تکافل، آن را به ابزاری مؤثر برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت تبدیل کرده است (گرامی‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۵۶). در این نظام، منابع مالی به‌جای تمرکز بر سودهای سریع و زودگذر، به‌سمت پروژه‌های زیربنایی و مولد با افق زمانی بلند هدایت می‌شوند. استفاده از ابزارهای مالی اسلامی مانند صکوک مضاربه و مشارکت، امکان تزریق منابع به طرح‌های عمرانی چندساله را فراهم می‌آورد. تجربه کشورهای پیشرو در حوزه تکافل نشان می‌دهد که این نهادها نسبت به مؤسسات مالی متعارف، تمایل بیشتری به تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت دارند. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تکافل، ایجاد ثبات در سبد دارایی‌هاست. با حذف عناصر ربوی و کاهش وابستگی به بازارهای پرنوسان، این نظام در برابر شوک‌های کوتاه‌مدت اقتصادی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهد. آمارها حاکی از آن است که شرکت‌های تکافلی در بحران‌های

مالی، افت کمتری را نسبت به رقبای متعارف خود تجربه می‌کنند. بیمه اسلامی با طراحی محصولات نسلی مانند برنامه‌های تحصیلی بلندمدت و صندوق‌های بازنشستگی بین‌نسلی، افق برنامه‌ریزی خانوارها را گسترش می‌دهد. این نهاد با ایجاد پیوند بین نسل‌ها، منابع امروز را به سرمایه‌گذاری‌های آینده‌نگر تبدیل می‌کند (جمالزاده، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۷). سازوکارهای خیریه‌محور تکافل نیز به پایداری منابع در بلندمدت کمک می‌کند. تشکیل ذخایر قانونی بر اساس موازین شرعی و طراحی سازوکارهای تدریجی حل‌وفصل خسارات، از دیگر ویژگی‌های این نظام است که آن را برای رویارویی با چالش‌های بلندمدت اقتصادی آماده می‌سازد. برای تحقق کامل این ظرفیت‌ها، نیازمند استقرار نظام حکمرانی مناسب، تربیت نیروی انسانی متخصص و توسعه زیرساخت‌های نظارتی هستیم. تجربه موفق کشورهای پیشرو نشان می‌دهد که ترکیب حکمت اسلامی با مدیریت مالی مدرن می‌تواند الگویی کارآمد برای گسست از اقتصاد کوتاه‌مدت و حرکت به سمت توسعه پایدار فراهم آورد. بیمه اسلامی با این ویژگی‌ها، نه تنها یک نهاد مالی، بلکه راهبردی کلیدی برای تحقق اقتصاد مقاومتی با رویکرد آینده‌نگر محسوب می‌شود.

۴. سازگاری الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل با مؤلفه‌های

اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوواره‌ای اقتصادی که پس از تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران مطرح شد، دارای ابعاد و مؤلفه‌های متعددی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تأکید بر سرمایه‌گذاری‌های مولد، حمایت همه‌جانبه از خانوارهای ایرانی، حفظ تعادل‌های کلان اقتصادی و پرهیز از تصمیم‌گیری‌های مقطعی و زودگذر اشاره کرد. در این میان، نظام تکافل به عنوان نظام بیمه‌ای اسلامی و به‌ویژه الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در این نظام، می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق این مؤلفه‌ها ایفا نماید (عبدی و حسینی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳). تکافل که از ریشه «کفل» به معنای ضمانت و تعهد گرفته شده است، در واقع نظامی مشارکتی است که در آن اعضا به جای پرداخت حق بیمه، مشارکت مالی داشته و در سود و زیان سهیم می‌شوند. الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در این نظام، تلفیقی هوشمندانه از دو عقد اسلامی است که می‌تواند هم به نیازهای حمایتی بیمه‌ای پاسخ دهد و هم منابع مالی را به سمت تولید هدایت کند.

۴-۱. سرمایه‌گذاری مولد و الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت

سرمایه‌گذاری مولد به معنای هدایت منابع مالی به سمت فعالیت‌هایی است که منجر به ایجاد ارزش افزوده واقعی، اشتغال‌زایی و رشد پایدار اقتصادی شود. در مقابل سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه و غیرمولد قرار دارد که تنها به انتقال ثروت و ایجاد حباب‌های قیمتی می‌انجامد (عابدینی و موسوی، ۱۳۹۵، ص. ۴۵). الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل با سازوکارهای زیر به سرمایه‌گذاری مولد کمک می‌کند:

الف) تلفیق وجوه بیمه‌گذاران: منابع مالی جمع‌آوری شده از طریق قرارداد وکالت در اختیار شرکت تکافل قرار می‌گیرد تا در قالب مضاربه به کارآفرینان و طرح‌های مولد تزریق شود. بدین بیان که در این مدل مالی که بر اساس اصول اسلامی طراحی شده است، شرکت تکافل از طریق قرارداد وکالت، وجوهی را از بیمه‌گذاران جمع‌آوری می‌کند و این منابع مالی را به‌عنوان ذخیره مشترک در اختیار می‌گیرد. سپس این وجوه در قالب عقد مضاربه به کارآفرینان و طرح‌های مولد اقتصادی تزریق می‌شود. مضاربه یک قرارداد شرعی است که در آن شرکت تکافل به‌عنوان مالک، سرمایه را تأمین می‌کند و کارآفرین به‌عنوان عامل، با این سرمایه فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد و سود حاصل از این فعالیت بین طرفین تقسیم می‌شود. این سازوکار باعث می‌شود منابع مالی بیمه‌گذاران به‌جای قرار گرفتن در سیستم‌های ربوی، در فعالیت‌های واقعی و سودآور اقتصادی به‌کار گرفته شود. از طرفی، این روش به توسعه کارآفرینی و طرح‌های مولد کمک می‌کند و سود حاصل از آن به‌صورت عادلانه بین بیمه‌گذاران و شرکت تکافل توزیع می‌شود. درنهایت، این سازوکار نه‌تنها به اصول شریعت پایبند است و از ربا جلوگیری می‌کند، بلکه یک مدل مشارکتی را ایجاد می‌کند که در آن ریسک و سود بین تمام طرفین به اشتراک گذاشته می‌شود و به رشد اقتصادی جامعه کمک می‌کند.

ب) گزینش طرح‌های اقتصادی: بر اساس شرع و ضوابط تکافل، تنها طرح‌های مفید و مولد جامعه مورد تأمین مالی قرار می‌گیرند.

پ) توزیع عادلانه سود: سود حاصل از فعالیت‌های مولد به‌صورت عادلانه بین سرمایه‌گذار (بیمه‌گذار)، عامل (کارآفرین) و شرکت تکافل تقسیم می‌شود.

ت) پایش مستمر طرح‌ها: نظارت شرعی و فنی بر طرح‌های تأمین مالی شده، تضمین‌کننده مولد بودن سرمایه‌گذاری‌هاست.

۴-۲. حمایت از خانوارها و ثبات اقتصاد کلان

حمایت از خانوارها و حفظ ثبات اقتصاد کلان از طریق الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در نظام تکافل در قالب یک سازوکار چندلایه و درهم تنیده محقق می شود که در ادامه به تفصیل بررسی می گردد. (حیدری و احمدی، ۱۴۰۰، ص. ۲۳). این الگو با ایجاد یک چتر حمایتی جامع برای خانوارها از یک سو و تزریق منابع مالی به چرخه تولید ملی از سوی دیگر، به صورت همزمان به ثبات بخشی در سطح خرد و کلان اقتصاد می پردازد. در سطح خرد، این نظام با ارائه پوشش های بیمه ای اسلامی مبتنی بر عقد وکالت، ایمنی مالی خانوارها در برابر مخاطراتی چون فوت سرپرست، بیماری های سخت، از کارافتادگی و خسارات اموال را تأمین می کند. ویژگی متمایز این سیستم نسبت به بیمه های متعارف در آن است که حق مشارکت پرداختی توسط خانوارها صرفاً به عنوان یک هزینه تلقی نمی شود بلکه در قالب مضاربه به سرمایه گذاری های مولد تزریق شده و برای مشارکت کنندگان ایجاد درآمد می نماید (ابن تیمیه، ۱۹۸۷م، ج ۵، ص. ۳۹۴). این سازوکار دوگانه از چند جهت به حمایت از خانوارها می پردازد: نخست آنکه با ایجاد شبکه امنیت مالی، از فروافتادن خانوارها به زیر خط فقر در پی وقوع حوادث پیش بینی نشده جلوگیری می کند. دوم آنکه با توزیع سود حاصل از سرمایه گذاری ها، به عنوان یک منبع درآمد مکمل عمل کرده و قدرت خرید خانوارها را افزایش می دهد. سوم آنکه با امکان تجمیع پس اندازهای خرد خانوارها و تبدیل آنها به سرمایه گذاری های کلان، امکان مشارکت اقشار متوسط و کم درآمد در فرایندهای تولیدی را فراهم می سازد. چهارم آنکه با طراحی محصولات خاص برای اقشار کم درآمد و امکان تعیین تعرفه های متفاوت بر اساس توان مالی، به کاهش نابرابری های اقتصادی کمک می کند.

در سطح کلان، این الگو از طریق کانال های متعددی به ثبات اقتصادی کمک می نماید. مهم ترین این کانال ها، هدایت نقدینگی به سمت بخش واقعی اقتصاد است که از یک سو از ایجاد حباب در بازارهای غیرمولد مانند: ارز، سکه و مسکن جلوگیری کرده و از سوی دیگر با توسعه فعالیت های مولد، به رشد پایدار تولید ناخالص داخلی منجر می شود. کانال دوم، توسعه بازار سرمایه اسلامی است که با جایگزینی ابزارهای مالی اسلامی به جای ابزارهای متعارف پرریسک، از نوسانات شدید بازارهای مالی می کاهد. کانال سوم، اثرهای اشتغال زایی این نظام است که هم از طریق ایجاد مشاغل مستقیم در طرح های تأمین مالی شده و هم از طریق اشتغال غیرمستقیم در صنایع وابسته، به کاهش نرخ بیکاری که یکی از مهم ترین چالش های اقتصاد کلان

است، کمک می‌کند. بدین‌بین که این مدل مالی اسلامی از چند کانال مؤثر به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. یکی از این کانال‌ها، توسعه بازار سرمایه اسلامی است که با جایگزینی ابزارهای مالی اسلامی به جای ابزارهای متعارف پُریسک، از نوسانات شدید بازارهای مالی جلوگیری می‌کند و ثبات بیشتری به سیستم اقتصادی می‌بخشد. کانال دیگر، اثرهای اشتغال‌زایی این نظام است که هم از طریق ایجاد مشاغل مستقیم در طرح‌هایی که از این طریق تأمین مالی می‌شوند و هم از طریق اشتغال غیرمستقیم در صنایع وابسته و زنجیره‌های ارزش مرتبط، به کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کند. این ویژگی به‌ویژه در اقتصادهایی که بیکاری به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کلان مطرح است، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. درواقع، این چهارچوب مالی نه تنها با هدایت منابع به سمت فعالیت‌های مولد، به رشد اقتصادی منجر می‌شود بلکه از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نوسانات بازار، به ثبات کلان اقتصادی نیز یاری می‌رساند. این رویکرد جامع، نشان‌دهنده ظرفیت نظام مالی اسلامی در حل چندبُعدی مشکلات اقتصادی است.

یکی از ظرفیت‌های منحصربه‌فرد این الگو در ایجاد ثبات کلان، توانایی آن در جذب نقدینگی سرگردان است. در شرایطی که اقتصاد ایران با مازاد نقدینگی مواجه است و این نقدینگی به دلیل محدودیت‌های موجود در سیستم بانکی به‌خوبی به سمت تولید هدایت نمی‌شود، نظام تکافل می‌تواند با جذب این منابع و تزریق هدفمند آن به بخش‌های مولد، هم به کنترل تورم کمک کند و هم رشد اقتصادی را تحریک نماید (حسینی و شریعتی، ۱۳۹۸، ص. ۶۱). این ویژگی به‌خصوص در شرایط تحریم که دسترسی به منابع مالی بین‌المللی محدود شده است، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. در بُعد ثبات ارزی نیز، این الگو با حمایت از تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به واردات، به صورت غیرمستقیم به تعادل تراز پرداخت‌ها کمک می‌کند. از طرف دیگر، با توسعه صادرات غیرنفتی از طریق تأمین مالی طرح‌های صادرات‌محور، به افزایش درآمدهای ارزی کشور می‌انجامد. ثبات قیمت‌ها به‌عنوان یکی دیگر از ارکان ثبات کلان نیز از طریق افزایش عرضه کالاها و خدمات در نتیجه توسعه فعالیت‌های مولد و همچنین کاهش فشارهای تورمی ناشی از هدایت نقدینگی به سمت تولید، تقویت می‌شود. نکته حائز اهمیت در این الگو، ارتباط متقابل و تقویت‌کننده بین حمایت از خانوارها و ثبات اقتصاد کلان است. هرچه حمایت از خانوارها مؤثرتر باشد، تقاضای مؤثر در اقتصاد از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود که این خود به ثبات کلان کمک می‌کند. از طرف دیگر، ثبات اقتصاد کلان موجب

می‌شود ارزش واقعی پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های خانوارها حفظ شده و اثرهای حمایتی نظام تکافل تقویت گردد. این چرخه virtuous cycle به‌صورت مستمر هم به بهبود وضعیت معیشتی خانوارها و هم به ثبات اقتصادی کل کشور کمک می‌کند (Abdul Wahab, Lewis & Hassan, 2007). درعین‌حال، اجرای موفقیت‌آمیز این الگو مستلزم ایجاد بسترهای مناسب حقوقی، نظارتی و فرهنگی است. ازجمله مهم‌ترین این بسترها می‌توان به تدوین مقررات جامع نظارتی، ایجاد نهادهای ناظر تخصصی، توسعه نظام‌های ارزیابی و رتبه‌بندی ریسک، آموزش نیروی انسانی متخصص و فرهنگ‌سازی در سطح جامعه اشاره کرد. با فراهم‌آوردن این بسترها، الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد هم در خدمت حمایت از خانوارها و هم در جهت تحقق ثبات اقتصاد کلان قرار گیرد.

۴-۳. پرهیز از دیدگاه کوتاه‌مدت و زودگذر

الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در نظام تکافل به‌صورت ساختاری و ماهوی در تقابل با نگاه‌های کوتاه‌مدت و سوداگرانه در اقتصاد عمل می‌کند. این ویژگی از ذات و فلسفه وجودی این الگو نشئت می‌گیرد که مبتنی بر اصول اسلامی و با نگاهی بلندمدت و پایدار طراحی شده است. در این الگو، منابع مالی مشارکت‌کنندگان نه به‌عنوان سرمایه‌گذاری‌های زودبازده و سفته‌بازانه، بلکه به‌عنوان سرمایه‌گذاری‌های مولد با افق زمانی میان‌مدت و بلندمدت هدایت می‌شوند. این نگاه بلندمدت در تمام اجزای الگو از مرحله جمع‌آوری منابع تا تخصیص، اجرا و نظارت بر طرح‌ها جریان دارد. مضاربه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این الگو، ذاتاً یک قرارداد بلندمدت است که در آن سرمایه‌گذار و کارآفرین در سود و زیان فعالیت اقتصادی شریک می‌شوند. این مشارکت بلندمدت موجب می‌شود که طرفین به‌جای تمرکز بر منافع مقطعی، به ثبات و پایداری فعالیت اقتصادی بیندیشند. در این چهارچوب، طرح‌های اقتصادی که مورد تأمین مالی قرار می‌گیرند عموماً از نوع طرح‌های زیربنایی، تولیدی و دارای ارزش افزوده پایدار هستند که نتایج آنها در بلندمدت محقق می‌شود. این رویکرد دقیقاً در نقطه مقابل سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در بازارهای سفته‌بازی مانند ارز، سکه و مسکن قرار دارد که عموماً با نوسانات شدید قیمتی همراه بوده و به بی‌ثباتی اقتصادی دامن می‌زنند. عقد وکالت به‌عنوان رکن دیگر این الگو نیز با سازوکار خاص خود به تقویت نگاه بلندمدت کمک می‌کند. در این چهارچوب، رابطه بیمه‌گذار و شرکت تکافل یک رابطه مستمر و بلندمدت است که بر اساس اعتماد و

مسئولیت‌پذیری متقابل شکل می‌گیرد. این رابطه گذرا و مقطعی نیست بلکه به‌صورت یک تعهد متقابل بلندمدت طراحی شده است. همین ویژگی موجب می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها در این سیستم مبتنی بر منافع پایدار باشد، نه سودهای آنی و زودگذر. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بلندمدت‌نگری در این الگو، مدل کسب سود آن است. در سیستم‌های متعارف مالی، عموماً به‌دنبال سودهای سریع و فوری هستند که این خود منشأ بسیاری از بحران‌های مالی بوده است؛ اما در الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت، سودآوری بر مبنای عملکرد واقعی اقتصاد و با فرایندی تدریجی و مستمر حاصل می‌شود (ناطق گلستان و عباس‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۷). این نوع سودآوری اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت جذابیت کمتری داشته باشد؛ اما در بلندمدت از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است و کمتر در معرض نوسانات شدید قرار می‌گیرد.

مدیریت ریسک در این الگو نیز بر اساس نگاه بلندمدت طراحی شده است. به‌جای واکنش‌های مقطعی به نوسانات بازار، در این سیستم از راهبردهای بلندمدت مدیریت ریسک استفاده می‌شود که شامل تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری، ارزیابی ریسک‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی برای بحران‌های احتمالی در افق بلندمدت می‌شود. این رویکرد موجب می‌شود که سیستم در برابر شوک‌های مقطعی اقتصادی مقاومت بیشتری از خود نشان دهد (Katsipis, 2011). حکمرانی شرکتی در این الگو نیز به‌گونه‌ای طراحی شده که منافع بلندمدت همه ذی‌نفعان را تأمین کند. شفافیت مالی، گزارش‌دهی منظم، پاسخگویی به ذی‌نفعان و رعایت اصول حاکمیت شرکتی اسلامی همگی موجب می‌شوند که تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر منافع پایدار باشد. این در حالی است که در بسیاری از سیستم‌های مالی متعارف، فشار برای نمایش نتایج مطلوب در گزارش‌های فصلی و سالانه، مدیران را به‌سمت تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت سوق می‌دهد.

تجربه بحران‌های مالی جهانی به‌خوبی نشان داده است که سیستم‌های مالی با نگاه کوتاه‌مدت چقدر می‌توانند آسیب‌پذیر باشند. درمقابل، مؤسسات مالی اسلامی که بر اساس الگوهایی مانند مضاربه و وکالت عمل می‌کنند، در دوران بحران عملکرد بهتری داشته‌اند. این مقاومت ناشی از همان ویژگی‌های ذاتی این الگوهاست که بر تولید واقعی، مشارکت در سود و زیان و نگاه بلندمدت تأکید دارند. در سطح کلان نیز، این الگو با هدایت منابع به‌سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد و بلندمدت، به ثبات اقتصاد کلان کمک می‌کند. وقتی بخش قابل‌توجهی از نقدینگی جامعه به‌جای

بازارهای سفته‌بازی به سمت طرح‌های تولیدی هدایت شود، هم از ایجاد حباب در قیمت دارایی‌ها جلوگیری می‌شود و هم پایه‌های تولید ملی تقویت می‌گردد. این دقیقاً همان رویکردی است که اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است؛ رویکردی که به جای واکنش‌های مقطعی به تحریم‌ها و شوک‌های خارجی، به تقویت ساختارهای درونی و بلندمدت اقتصاد می‌اندیشد (Kwon, 2007, p. 53). درنهایت، این الگو با ترویج فرهنگ اقتصادی مبتنی بر صبر، استقامت و بلندمدت‌نگری در میان آحاد جامعه، به اصلاح الگوی مصرف و سرمایه‌گذاری در سطح خرد نیز کمک می‌کند. وقتی مردم تجربه کنند که سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و مولد می‌تواند برای آنها درآمدی پایدار ایجاد کند، به تدریج از تمایل به سفته‌بازی و فعالیت‌های کوتاه‌مدت دور می‌شوند. این تغییر فرهنگی یکی از پایدارترین آثار این الگو است که در بلندمدت می‌تواند ساختار اقتصادی کشور را متحول کند.

۵. چالش‌های اجرایی الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در تکافل

اجرای این الگو با موانع و مشکلات متعددی روبه‌رو است که نیازمند توجه جدی می‌باشد. اولین چالش عمده، پیچیدگی فنی و حقوقی قراردادهای ترکیبی است که باید همزمان شرایط دو عقد مضاربه و وکالت را تأمین نمایند. این پیچیدگی مستلزم حضور متخصصان فقهی و حقوقی مجرب برای تدوین قراردادهای استاندارد و همچنین آموزش گسترده به کارکنان و مشتریان است. در حوزه مدیریت ریسک نیز مشکلات قابل توجهی وجود دارد؛ زیرا ارزیابی ریسک طرح‌های مضاربه بسیار پیچیده‌تر از سیستم‌های متعارف است و نیازمند توسعه روش‌های نوین ارزیابی است که هم جنبه‌های فنی و اقتصادی و هم موازین شرعی را در نظر بگیرد. چالش فرهنگی و عدم آگاهی عمومی از دیگر موانع مهم است. بسیاری از مردم با مفاهیم تکافل و مضاربه آشنایی کافی ندارند و به دلیل عادت به سیستم‌های متعارف، در پذیرش این الگو تردید دارند. این مسئله به‌ویژه در میان قشر جوان که انتظارات سریع از سیستم‌های مالی دارند، نمود بیشتری دارد. همچنین نبود زیرساخت‌های نظارتی و حقوقی مناسب، فقدان نیروی انسانی متخصص و کمبود نهادهای آموزشی مرتبط از دیگر چالش‌های پیش‌رو محسوب می‌شوند. برای غلبه بر این چالش‌ها، مجموعه‌ای از راهکارهای عملی پیشنهاد می‌گردد (Alhumoudi, 2012, p. 98). تدوین استانداردهای شرعی و فنی جامع اولین گام ضروری است که باید با مشارکت فقها، اقتصاددانان و متخصصان مالی انجام پذیرد. حمایت نهادهای نظارتی مانند

بانک مرکزی و سازمان بورس از طریق وضع مقررات ویژه و ارائه تسهیلات نیز نقش کلیدی در موفقیت این الگو دارد. استفاده از مشوق‌های مالیاتی برای مشارکت‌کنندگان می‌تواند انگیزه لازم را برای جذب سرمایه‌های خرد و کلان ایجاد کند. توسعه فناوری‌های مالی اسلامی (فین‌تک) از دیگر راهکارهای مؤثر است. طراحی سکوها، هوشمند برای مدیریت قراردادها، پرداخت‌ها و نظارت بر طرح‌ها می‌تواند هم هزینه‌های عملیاتی را کاهش دهد و هم شفافیت سیستم را افزایش دهد. برنامه‌ریزی برای آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی نیز از ارکان اصلی موفقیت این الگو است که باید از تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای و آموزشی کشور استفاده نماید.

نتیجه‌گیری

الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت در نظام تکافل به‌عنوان یک راهکار بومی و مبتنی بر اصول اسلامی، ظرفیت بی‌نظیری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در ایران دارا می‌باشد. این الگو با تلفیق هوشمندانه دو عقد اسلامی مضاربه و وکالت، سازوکاری جامع و چندبُعدی ارائه می‌دهد که همزمان به نیازهای بیمه‌ای جامعه پاسخ می‌گوید و هم منابع مالی را به‌سمت بخش مولد اقتصاد هدایت می‌کند. بررسی عمیق ویژگی‌های این الگو نشان می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد کلان در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد. در بُعد نظری، این الگو از چند جهت با اقتصاد مقاومتی همسویی کامل دارد. نخست آنکه با هدایت منابع مالی به‌سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی، به تقویت «درونزایی» به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند. دوم آنکه با ایجاد شبکه ایمنی مالی برای خانوارها و حمایت از اقشار مختلف جامعه، به تحقق «عدالت‌محوری» که از شعارهای کلیدی اقتصاد مقاومتی است، یاری می‌رساند. سوم آنکه با طراحی سازوکارهای مشارکتی و مبتنی بر سود و زیان واقعی، به «مردمی‌سازی اقتصاد» که از اصول مهم این الگوواره اقتصادی است، جامعه عمل می‌پوشاند.

در بُعد عملیاتی نیز این الگو مزایای قابل‌توجهی دارد. تجربه کشورهای اسلامی نشان داده است که مؤسسات مالی مبتنی بر تکافل در شرایط بحران‌های اقتصادی از ثبات و تاب‌آوری بیشتری برخوردار بوده‌اند. این ویژگی به‌دلیل ماهیت مشارکتی، واقعی بودن فعالیت‌های اقتصادی و توزیع عادلانه ریسک در این نظام است. در شرایط کنونی ایران که با تحریم‌های ظالمانه و فشارهای اقتصادی مواجه است، توسعه این الگو می‌تواند به ایجاد ثبات در سیستم مالی کشور کمک شایانی نماید. یکی از نقاط

قوت مهم این الگو، توانایی آن در ایجاد هماهنگی بین اهداف خرد و کلان اقتصادی است. در سطح خرد، به بهبود وضعیت معیشتی خانوارها از طریق ارائه خدمات بیمه‌ای و ایجاد درآمد مضاعف کمک می‌کند. در سطح کلان، با هدایت نقدینگی به سمت تولید، کنترل تورم و ایجاد اشتغال، به ثبات اقتصادی کشور یاری می‌رساند. این هماهنگی بین سطح خرد و کلان، از ویژگی‌های منحصر به فرد الگوی ترکیبی مضاربه و وکالت محسوب می‌شود. باین‌حال، باید توجه داشت که تحقق کامل این ظرفیت‌ها مستلزم فراهم‌آوردن بسترهای لازم است. مهم‌ترین این بسترها شامل:

۱- توسعه نظام حقوقی و نظارتی کارآمد؛

۲- تربیت نیروی انسانی متخصص؛

۳- ایجاد نهادهای پشتیبانی‌کننده؛

۴- توسعه فناوری‌های مالی مرتبط؛

۵- فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بانی عمومی.

در چشم‌انداز بلندمدت، این الگو ظرفیت آن را دارد که نه تنها به عنوان یک نظام مالی اسلامی کارآمد در داخل کشور مورد استفاده قرار گیرد بلکه می‌تواند به عنوان الگویی موفق برای سایر کشورهای اسلامی نیز مطرح شود. این موضوع می‌تواند به افزایش نفوذ اقتصادی ایران در منطقه و جهان بینجامد. در پایان باید تأکید کرد که موفقیت این الگو نیازمند عزم ملی، برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت همه‌جانبه نهادهای حاکمیتی، بخش خصوصی و آحاد مردم است. با وجود همه چالش‌ها و موانع، آینده این الگو در صورت اجرای صحیح بسیار روشن به نظر می‌رسد و می‌تواند سهم مهمی در ساختن اقتصادی مقاوم، پویا و عدالت‌محور داشته باشد. این الگو نه تنها یک راهکار مالی، بلکه گامی اساسی در جهت تحقق استقلال اقتصادی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی محسوب می‌شود.

فهرست منابع

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۸۷م). *مجموع فتاوی شیخ الاسلام/احمد بن تیمیه (ج. ۵)*. مدینه منوره: وزارت امور اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد عربستان سعودی.

جمالزاده، احمد (۱۳۸۰). *بررسی فقهی عقد بیمه*. قم: بوستان کتاب.

حسینی، م، و شریعتی، ن. (۱۳۹۸). *تحلیل فقهی و اقتصادی تکافل در مقایسه با*

بیمه متعارف. فصلنامه مدیریت و اقتصاد اسلامی، (۶)، ۵۰-۶۵.

حیدری، مهدی و احمدی، ناصر (۱۴۰۰). بررسی عقود فقهی در نظام بیمه اسلامی تکافل. مجله پژوهش‌های فقه و حقوق کاربردی، (۱۲)، ۲۱-۳۵.

عابدینی، علی و موسوی، سعید (۱۳۹۵). تحلیل الگوهای تکافل در نظام مالی اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، (۱۵)، ۴۳-۵۲.

قره‌داغی، علی محیی‌الدین (۱۳۹۳ق). التأمین الاسلامی. بیروت: دار البشائر الاسلامیه.

گرامی‌پور، مهدی (۱۳۹۱). جایگاه سندی مقاصد الشریعه در فقه مذاهب اسلامی، نشریه حبل‌المتین، پاییز، (۳).

ناطق گلستان، احمد و عباس‌پور، رضا (۱۳۹۱). بررسی مشروعیت نظام بیمه تکافلی در مقایسه با نظام بیمه‌ای مرسوم. فقه و تاریخ تمدن، (۱)۹، ۲۰۳-۲۳۱.

Abdul Wahab, Abdul Rahim, Lewis, Mervyn K. & Hassan, M. Kabir (2007). Islamic Takaful: Business Models, Shari'a Concerns and Proposed Solutions. *Thunderbird International Business Review*, (3).

Alhumoudi, Yuosef Abdullah (2012). *Islamic Insurance Takaful and its Applications in Saudi Arabia*. PhD thesis. London: Brunel University.

Katsipis, Vasilis (2011). *A.M. Best's TAKAFUL REVIEW*.

Kwon, J. W. (2007). Islamic principle and takaful insurance: Re-evaluation. *Journal of Insurance Regulation*, 26(1), 53-79.